

می کنیم .

وقتی جنبش نوین انقلابی شیوه ظفرنمون
مبارزه مسلحانه را در جامعه طرح کرد بخاطر آنکه
پاسخگوی ضرورت زمان بود با استقبال بی نظیر
نیروهای انقلابی بالفعل مواجه گشت و طلسم سالها
انتظار و بی عملی با سیل این انقلاب بین شکست
اما بخاطر کم تجربگی در امور سازمانی و تشکیلاتی
نیروهای موثری که نقش رهبری جنبش نوین را ایفا
می کردند ، عمدتاً بشهادت رسیدند و در شرایطیکه
جنبش انقلابی بمتابه پیروزی بر رویه فرصت طلبانه
بمنش ظهور رسیده بود ، موجب شد که عده کثیری از
جوانان انقلابی با زمینه تئوریک ضعیف و از لحاظ
سیاسی تشکیلاتی بی تجربه به جنبش بپیوندند .

بنابراین به کم تجربگی سازمان انقلابی نویا ، ضعف
تئوریک و نارسائی های ایدئولوژیک آن افزوده شد .
با این وضع نمیتوانستیم به تحلیل مداوم از اوضاع
بپردازیم و بررسی های اقتصادی - اجتماعی
و سیاسی رفقای آغازگر ، را که اساس حرکت سازمان
بر آن استوار بود ، مورد انتقاد قرار دهیم و مطابق
با تغییر و تحولات جامعه آنرا تکامل بخشیم .
تحلیل سازمان مبتنی بود بر فراهم بودن
شرایط "عینی انقلاب" (که از سوی رفیق مسعود
احمدزاده ، در جزوه تئوریک سازمانی یعنی
"مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک" مطرح
گردیده بود) یعنی توده ها آمادگی این را دارند
که به ندای پیشتاز مسلح پاسخ مثبت دهند .

رفقا با چنین تحلیلی ، رونمای سیاسی جامعه
یعنی دیکتاتوری و فشار و اختناق را ناشی از ناگزیری
دستگاه حاکمه در مقابله با جنبش ، می دانستند !
اینچنین برداشتی ، که حکایت از کوتاه بودن

رفقای دانشجو !

سالروز ۱۶ آذر که همواره برای ما فرصت
مناسبی جهت گفتگو با دانشجویان بوده ، فرامیرسد .
امسال وظایف سنگینی را در گفتگو با شما
احساس میکنیم ، چرا که در باره سایر مسائلمان هم
نیتوانستیم با شما سخن بگوئیم . ولی این بدان معنی
نیست که در جهت برقراری ارتباط ضروری خود با شما
نگوشیده ایم .

در این دوره کار اساسی ما تحلیل و بررسی
حرکات سازمان بر اساس اوضاع و احوال اقتصادی
اجتماعی و سیاسی جامعه بوده است تا بتوانیم
حرکت خود را در رابطه با تغییر و تحولات تکامل
بخشیم . که روشن است نارسائی ها و معضلات
بسیاری توانسته است ، این حرکت را کند کرده
و تدوین و انتشار جمعبندی آنرا به تعویق اندازد .
معمداً قبل از انتشار این جمعبندی لازم شد تا
پیام خود را بگوش دانشجویان انقلابی و رزمندگان
جنبش دانشجویی برسانیم . بنابراین پیام ما نمیتواند
گویای کلیه مسائل و ضرورت های موجود باشد .
در این گفتار با تحلیل فنرهای از حرکت
کلی سازمان ، ضمن طرح برخی از انتقاداتی
را که از خود داریم به بازشناسی مختصری از فرم و
محتوای مبارزه مسلحانه می پردازیم و با اشارهای
به استراتژی مرحله فعلی جنبش انقلابی وظایف
جنبش دانشجویی را مطرح خواهیم کرد .

ادامه تحلیل جامع تر این موارد را در
جمعبندی تحلیلی خود ، به آینده نزدیک مرسول

پروسه " تبلیغ مسلحانه " دارد نمیتواند به تاکتیک‌ها
 که شمره‌اش در دراز مدت بدست می‌آید ، بهاء لازم
 را بدهد ! سازماندهی نیروها را آنچنان ترتیب
 دهد که در مقابل یورشهای مرگبار، حیاتش بخطر نیفتد
 یا معیارهایش برای گزینش اعضا آنچنان باشد که
 انرژیش را در رابطه با آنها به هدر ندهد ! ضوابطی
 که برای استحکام تشکیلاتش قائل میشود ، حقیقتاً
 آنرا تامین کند ! و

اینها همه از آن ناشی می‌شود که با تئوریهای
 اولیه برخوردی خلاق نکرده‌یم و صرف ایمان به ضرورت
 اعمال قهر، بشکل محدود ، تلاش خود را صرف پاسخگویی
 به این ضرورت نمودیم . شکل محدود این تلاش
 ناشی از شناخت محدود ما از محتوای مبارزه
 مسلحانه به مفهوم واقعی آن بود .

اگر چه در پیرویه حرکت سازمان عینیاتی میدیدیم
 که حکایت از فراهم نبودن " شرایط عینی انقلاب " داشت ،
 معیناً بر سر این اعتقاد که شرایط عینی انقلاب فراهم
 است همچنان حرکت میکردیم و این تضاد را بر اساس ایمان کلی
 به پیروزی راهمان نادیده می‌گرفتیم ! حال آنکه در برخورد با عینیتی که
 نقش تئوری ما را روشن میسازد ، میبایست با شهامت
 مارکسیستی - لنینیستی برخورد کرد . ما بخاطر اینکه
 شجاعانه دست به انتقاد از خود نزدیم ، نتوانستیم
 تئوری خود را تکامل بخشیم و بر اساس واقعیت گام برداریم .

رفقای رهبری نخستین رفقای بودند که به این نارسائی پی بردند . منتها اقدام قاطعی
 جهت طرح و تبیین این موضوع بعمل نیاوردند ! ولی
 این مسئله ، راه نفوذ اندیشه های رفیق جزئی را به سازمان باز
 نکرد (چرا که تحلیلهای رفیق جزئی مبین این حقیقت بود
 که شرایط عینی انقلاب

فراهم نیست) و از آنجا که در عمل صحت و اهمیت تئوریهای
 رفیق جزئی مشخص گردیده بود ، توانست در سازمان نقش
 کاتالیزوری پیدا کند . ولسی همچنان ارجح غیر لازمی
 به تئوریهای نا کافی اولیه گذاشته میشد و دید قبلی
 خود را حفظ میکردیم ! تا اینکه سرانجام واقعیت تلخ
 ضربات سال پنجاه و پنج جایی برای دوگانگی
 مواضع باقی نگذاشت و بالاخره در مبارزه پیگیر
 ایدئولوژیک درون سازمانی تئوریهای رفیق جزئی
 بعنوان رکن اساسی و رهنمون فعالیتهای ما شناخته شد .

در این نقطه عطف ، کتب تئوریک رفیق برای بازشناسی
 مبارزه مسلحانه و کسب آگاهی عمیق از استراتژی و تاکتیک
 در دستور مطالعاتی سازمان قرار گرفت و مجموعاً با
 تجزیه تحلیل همه جانبه ای از اوضاع گذشته ،
 توانستیم به خطاهای خود تا حد زیادی پی ببریم
 و برنامه آینده خود را با اسلوب صحیح و بر اساس
 واقعیات بی ریزی کنیم .

ما در این پیرویه دست آورد های بسیاری به تک
 آورده ایم و میتوان گفت : در حال حاضر دارای
 تجارب غنی مبارزاتی هستیم و مفهوم مبارزه مسلحانه
 را وسیعاً درک کرده ایم . ما بخواهیم دریافته ایم
 که در گذشته دچار "چپ روی " بوده ایم و این مرض تا حد
 زیادی به جنبش مسلحانه آسیب وارد آورده . حالا
 برای گزینش اعضا معیارهای متناسبی قائل شده ایم .
 در مبارزه ایدئولوژیک سخت و پیگیر درون سازمانی ،
 توانسته ایم به وحدت پی سابقه ای دست یابیم .
 در جهت پاسخ گفتن به ضرورت ایجاد پای دوم
 جنبش ، یعنی حمایت و رهبری مبارزات سیاسی -
 صنفی می‌کوشیم .

با چنین پشتوانه ای میتوانیم بگوئیم : با ایمان
 به پیروزی راهمان سایر نارسائیها را برطرف خواهیم
 کرد و با تحلیل مداوم

از شرایط ، حرکت سازمان را در جهت توده ای -
کردن مبارزه مسلحانه هدایت میکنیم .

چپ‌روی سازمان (یعنی همان دیدی
که پروسه تبلیغ مسلحانه را کوتاه میدید و خلاصه
با مسائل مبارزاتی عجولانه برخورد میکرد) چه در درون
سازمان و چه در نیروهای انقلابی سمپاتیان جنبش
تأثیرات سوئی گذاشت . در درون سازمان پایه های
تشکیلاتی و مناسبات کمونیستی نمیتوانست قوام یابد و
ثبات بگیرد ، حرکات بهیرونی که عموماً نیروها را تهییج و
تشجیع مینمود ، نمیتوانست عناصر انقلابی را آموزش دهد
و آگاه سازد . بدیهی است شور و شوق تنها هر قدر
هم زیاد باشد نمیتواند پاسخگوی نیاز مبارزه ، آنها
در چنین شرایطی باشد چراکه بیشتر از هر زمان اساساً
به مغزاندیشمند نیاز دارد .

نیروهائی که تحت تأثیر عملیات چشمگیر چپ‌گرایی
تهییج میشوند ، باید متناسب با آن ، آگاهی کسب
کرده تا ضرورت مبارزه اینچنینی را درک نمایند .
این وظیفه ما بود که همراه با عملیاتمان اهداف
جنبش نوین را وسیعاً بین روشنفکران و نیروهای مبارزه
- جو منتشر کنیم و با تربیت ایدئولوژیک این نیروها ،
راه نفوذ تبلیغات اپورتونیستی را سد کنیم و نگذاریم
نیروهای انقلابی طعمه دام انفعال اپورتونیستها
گردند . درست است که امکانات محدود ما مانع
انجام چنین وظایفی میشد ، ولی همان توانی را هم
که داشتیم در راه درست بکار نگرقتیم ، در نتیجه
سنجیده گام برنداشتیم .

استقبال نیروهای مبارزه جو ، ما را غرور کرد و بالطبع
در سازماندهی آنها عجولانه برخورد کردیم .
عملیاتی که اهداف جنبش را تبلیغ میکرد بیشتر از حد
لازم صورت گرفت و عمدتاً ، تأکید آن بر فرم مبارزه

مسلحانه بود تا محتوای آن . ترویجی که در این رابطه
میایست صورت گیرد ، بسیار کم بود .
مجموعاً بخاطر کم کاری در زمینه اشاعه تئوریهای

جنبش مسلحانه و تحلیل اوضاع اقتصادی - اجتماعی
و سیاسی که مبانی استراتژی ما بر آنها استوار است
باضافه خط اساسیمان فرصت مناسبی برای تبلیغات
اپورتونیستی (مبنی بر تحریف اهداف جنبش) فرا هم
ساختیم . هر چند اپورتونیسم نمیتواند بنحویس
دلخواهش از شرایط بهره برداری کند ، ولی توانست
نیروهای بسیاری را در وضعیت بینابینی و بلا تکلیفی
نگاه دارد ، شور و شوق آنها را بگیرد و به انفعال
و تسلیم طلبی بکشاند .

خروش انقلابی جنبش نوین که خواب زمستانی
اپورتونیستها را بر هم میزد ، آنها را به مقابله
با آن وا میداشت . آنها سعی داشته و دارند
در قدم اول جنبش نوین را با تیر خلاص کاربند
خود شرمورد حمله قرار دهند . و اشتباهات
تاکتیکی و ضعفهای آنها ، دلیل بر اشتباه بودن
(مبنی انقلابی) قلمداد کنند ! آنها ما را ماجراجو
آنارشیست و کلاً توطئه گر معرفی کرده و میکنند ، آنها
بدون شناخت از اعتقادات و تئوریهای جنبش
(هر چند از درک آن عاجزند) ، سعی در بی حیثیت
ساختن جنبش دارند . غافل از اینکه سالیان
بدرازست که ماهیت آنها ، حنایشان را بی رنگ کرده
است . معیناً ما مفهوم مبارزه مسلحانه را که در
حال حاضر محتوای تبلیغاتی دارد ، در اینجا
تشریح میکنیم تا بر اساس شناخت واقعی از آن ،
نیروهای انقلابی و مشخصاً رفقای دانشجو ، به
ماهیت حملات اپورتونیستها پی ببرند و در انشاء
و مبارزه با اپورتونیسم ، عمیق تر و آگاهانه تر عمل کنند

با طرح دو سؤال آنرا تشریح میکنیم :

اول - مبارزه مسلحانه چه مفهومی دارد ؟

دوم - چه عواملی در ایران این شکل از مبارزه را ضروری ساخته ؟

- مبارزه مسلحانه بمعنی عام یعنی اعمال قهر بهر شکل علیه دشمن ، در کشور ما ، مبارزه مسلحانه شکلی از مبارزه است که اساسا متکی بر اعمال قهر بر ضد دشمنان خلق است ، ولی در مجموع سایر اشکال مبارزه را ضروری و مکمل حیاتی خود میدانند (مبارزه مسلحانه در کشور ما با تمام اهمیتش راهگشای سایر مبارزات محسوب میشود) . در مرحله فعلی که عملیات مسلحانه از طرف پیشتاز مسلح صورت میگیرد ، با توجه به محدودیت کمی این جریان ، در مقایسه با نبرد توده های که پیروشان به نابودی سیستم حاکم منجر میگردد ، ماهیتا تفاوت دارد . چراکه در حال حاضر هدف عملیات مسلحانه تبلیغ و آگاه سازی است ، و خود مرحله تدارک مبارزه مسلحانه توده های محسوب میشود . بهین جهت آنرا ، تبلیغ مسلحانه ، نیز گفته ایم . برای چنین مبارزه ای که انقلاب را تدارک میبندد ، لازم نیست که شرایط عینی انقلاب فراهم باشد ، (یعنی توده ها کارد به استخوانشان برسند و دستگاه حاکم نتواند برای ادامه حیاتش ابتکارات موثری بکار گیرد) ولی برای دست زدن به چنین مبارزه ای شرایط و موقعیت مہینی ضروری است . ببینیم در کشور ما چه عواملی مبارزه مسلحانه را ضروری ساخته است :

- وجود نارضایتی مردم از شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه که حاصل سیستم طبقاتی سرمایه داری وابسته و رژیم دیکتاتوری است . - جلوگیری از هرگونه حرکت توده ای ، بوسیله

دیکتاتوری آشکار و اعمال خشونت بی سابقه که مانع رشد و گسترش مبارزات مسالمت آمیز گردیده .
(اینها پایه های اساسی عواملی است که ضرورت مبارزه مسلحانه را ایجاب کرده است .)

جنبش انقلابی مسلحانه براساس بررسی عمیق از موقعیت اجتماعی و اقتصادی و با توجه به مرحله تاریخی جامعه ، پس از تعیین تضاد های عمده و نیرو - های انقلاب و ضد انقلاب ، استراتژی خود را که انقلاب دموکراتیک توده هایست اعلام کرده و هدفش برقراری - دموکراسی خلق است . پس از تعیین این استراتژی ، در جهت پیاده کردن آن کلیه عوامل حاکم بر جامعه و نیرو های متخاصم آن یعنی مجموعه عوامل عینی و ذهنی مورد بررسی قرار گرفته و تجارب سی ساله مبارزات اخیر ایران و نتایج تاکتیکیهای جنبش طی این سالها مورد توجه اساسی بوده و در رابطه با موقعیت جهانی و تجارب انقلابات سایر خلقها ، تاکتیک مسلحانه را به مثابه تاکتیک اساسی و عمده که در طول تدارک انقلاب اهمیت محوری خود را حفظ خواهد کرد ، انتخاب نموده است .

برای مبارزه مسلحانه بعنوان تاکتیک علاوه بر عوامل زیربنائی ، عوامل روینائی نقش مہمی ایفا می کنند ، بنابراین ما روی این عوامل حساب کرده ایم و می کنیم :

۱- تعیین نیروهای بالفعل مبارزه ، یعنی نیروهایی که میتوانند در وهله اول ، برای پیاده کردن برنامه مبارزه مورد استفاده قرار گیرند .
بعبارت دیگر این نیروها در حال حاضر " اهرمی محسوب میشوند که بدین وسیله میتوانیم به " اهرمهای اصلی دست یابیم ، و هدف از این

بکارگیری ، آماده سازی و تجهیز نیروهای بالقوه است .

۲- توجه به تاکتیکهای دشمن که در مقابل با جنبش ترقیخواهان در پیش میگیرد ، موضوعی است که نمی گذارد کورکورانه و یکطرفه تاکتیکهای نارسای خود را ادامه دهیم . در شرایطی که امکان هرگونه فعالیت سیاسی از نیروهای اپوزیسیون (مخالف رژیم) سلب شده است و مبارزات محدود (گروهی سیاسی) که سابقا با شدت عمل دستگاه حاکمه روبرو میشود و تلاشی میگرد ، ما نمیتوانیم رحنی نداریم ، همچنان به این تاکتیک توسل شویم . باید تاکتیکهایی اتخاذ نمود که تاکتیکهای عمده دستگاه حاکمه را خنثی کرده و بتواند توده ها را بسیج کرده و بسوی انقلاب بکشانند (که در این میان قربانیانی هم خواهیم داد) .

۳- یافتن موثرترین فرم تشکل و توجه به تمایلات و انگیزه های ذهنی نیروهای انقلابی ، یا بعبارت دیگر ، بهترین شکل ممکن و ضروری تشکل که قادر باشد به اهداف جنبش جامعه عمل بپوشاند .

در این رابطه تجارب مبارزات ناکام گذشته جامعه را میتوان با مبارزات ظفرنمون سلحانه معاصر ، که در سطح جهان بظهور رسیده مقایسه کرد ، چه کسی میتواند منکر عبث بودن تاکتیکهایی که پس از ۲۸ مرداد ۳۲ حزب توده و جبهه ملی برای مقابله با دستگاه حاکمه در پیش گرفتند ، گردد؟ آیا فرم تشکلی که بیش از بیست گروه سیاسی را طی سالهای ۳۵ تا ۴۹ بدام پلیس انداخت ، میتواند فرم مناسبی برای تشکل نیروهای مبارز باشد ؟

با اتکا به این ارزیابی ها جنبش سلحانه ، گروه و سازمان (سیاسی - نظامی) را بهترین فرم ممکن

و ضروری برای سازماندهی نیروهای انقلابی در شرایط حاضرمی شناسد . و مبرترین وظایف آنرا ، عملیات (سیاسی - نظامی) و تاکتیکهای چریک شهری اعلام کرده است .

این نحوه تعیین تاکتیک بر اساس واقعیت شناخته شده و تجارب عملی شناختی است مبتنی بر مارکسیزم - لنینیزم خلاق یعنی مارکسیزم - لنینیزم که در عمل با واقعیات موجود مطابقت داشته و بمشابه حربه های موثر در کشاکن راه انقلاب بکار گرفته شده است .

بنابراین : اولاً تاکتیکهای سلحانه در طول جریان مبارزه در گرون شده ، از صافی ، تجربه می گذرد و مرحله به مرحله تکامل میابد .

ثانیاً : این تاکتیکها بعنوان محور کلیه مبارزات ما بحساب می آید . یعنی سایر تاکتیکها فقط درازای ادامه و تکامل تاکتیکهای سلحانه دارای ارزش و تا شیری باشد .

ثالثاً : هدف از بکار بستن ، این تاکتیکها نه واژگون ساختن بلافاصله دستگاه حاکمه ، بلکه تجهیز و تدارک انقلاب و بسیج توده هاست .

ما در توضیح این اصل متذکر میشویم که هیچگاه جنبش سلحانه مدعی نبوده است که با توسل به این تاکتیکها ، دستگاه حاکمه را واژگون و دیکتاتوری خلق را برقرار میسازد . (این دشمنان جنبش سلحانه اند که چنین تبلیغاتی را علیه جنبش سلحانه رواج میدهند) صحبت ما همیشه از تدارک سلحانه انقلاب - تبلیغ سلحانه و مفاهیم مانند آن بوده است ، هیچگاه نقض توده ها بخصوص زحمتکشان در

انقلاب تخطئه نشده است . بحث ما همواره بر سبب چگونگی آگاه سازی و تجهیز و سازماندهی نیروی انقلاب زحمتکشان و قدرت سیاسی و آید فوئوریزک این طبقه

بوده است ، که باید در يك انقلاب توده‌ای سه حاکمیت برسد .

ما گفته‌ایم و می‌گوئیم : مبارزه مسلحانه یا تبلیغ مسلحانه ، تنها راه تدارك انقلاب در جامعه ماست . تکامل آینده جنبش و رسیدن به يك جبهه آزادی بخش خلق - ایجاد رهبری جامع برای همه نیروها - وحدت سیاسی - نظامی تمام نیروهای انقلابی ، همه و همه تنها در صورت توده‌ای شدن مبارزه میسر خواهد بود . ما باز هم اعلام می‌کنیم که : - در مرحله فعلی توده‌ها نمیتوانند مستقیماً در عملیات نظامی شرکت کنند ، یعنی انتظار نداریم زحمتکشان و خرده بورژواها بشکل توده‌ای بمبارزه مسلحانه روی آورند ، مثلاً با تشکیل هسته‌های سیاسی - نظامی به جنگ چریکی دست بزنند .

- جنبش مسلحانه نه تنها از هرگونه مبارزه عمومی بصورت اعتراض و اعتصاب اقتصادی و سیاسی مردم استقبال میکند ، بلکه اساساً بازتاب مبارزات مسلحانه خود را در ظهور چنین جنبشهایی می‌بیند و در جهت رشد و گسترش آن گام برمی‌دارد .

- در شرایطی که جنبش مسلحانه دارای قدرت کافی برای پرکردن خلاء رهبری در جامعه نیست . به علل تاکتیکی نمیتواند مستقیماً سازماندهی این مبارزات و اعتراضات توده‌ای را برعهده بگیرد . لیکن از عناصر مبارزی که قادر نیستند مستقیماً در مبارزه مسلحانه شرکت جویند ، میخواهد (در حالیکه سازمانهای سیاسی - نظامی با فداکاری دشمن رازیر ضربه گرفته‌اند) با تشکیل هسته‌های سیاسی - صنفی از هر صنف و گروه شغلی برای احقاق حقوق اقتصادی و اجتماعی خود ، دست به مبارزات اقتصادی اجتماعی و سیاسی بزنند .

لازم به یادآوری است که این هسته‌ها هیچ

ارتباط و تشابهی به گروه‌های سیاسی کارکنانی نداشته و مستقیماً مبارزات وسیع صنفی را تدارك نمی‌بینند . این مبارزات نه تنها مفایر جنبش مسلحانه نیست بلکه یارو یاور این جنبش بوده و زمینه رشد و تکامل جنبش انقلابی محسوب می‌شود .

حال با این شناخت از مبارزه مسلحانه میتوانیم درباره استراتژی مرحله فعلی جنبش سخن بگوییم و خطوط حرکت آتی خود را روشن کنیم .

اساساً با تشخیص و تعیین تضاد های عمده ، نیروهای انقلابی و ضد انقلابی است که می‌توانیم برنامه یا استراتژی خود را تعیین کنیم .

در هر جامعه تضاد های بسیاری وجود دارد ، ولی برای کسانی که میخواهند در جهت رشد و حل مسائل جامعه یعنی تکامل آن گام بردارند ، شناخت تضاد های که نیروهای جامعه را در پشت سر خود دارند ، ضرورت دارد . مارکسیزم - لنینیسم به ما می‌آموزد که همواره در میان تضاد های يك جامعه ، يك تضاد عمده است ، تضاد عمده تضادی است که به درجه‌ای رشد یافته که دیگر تضاد ها را تحت‌الشعاع خود قرار داده است ، بدین معنی که ادامه رشد و حل و فصل سایر تضاد ها از کانال حل این تضاد عمده ، میسر است . مثلاً : در مرحله‌ای از انقلاب چین ، که تضاد عمده ی خلق چین با ارتجاع داخلی بود ، بر اثر تجاوز ژاپن ، تضاد عمده خلق چین با تجاوزین ژاپن شد ، و مادام که ژاپن شکست نخورده بود این اتحاد ملی علیرغم تضاد های درونی اش دوام آورد . سپس تضاد خلقی (یعنی کارگران دهقانان ، خرده بورژوازی و . . .) با فئودالها ،

کمپرادورها ، و امپریالیزم آمریکا و متحدانش
عمده شد و بصورت مبارزه خلق تحت رهبری کمونیستها
با دولت چیانگ کایچک پیروسه جنگ توده‌های را طی کرد و
به حاکمیت خلق و برقراری حکومت دموکراتیک توده‌های
انجامید .

گفتیم که جنبش مسلحانه در کشور ما ، با تحلیل
لازم از موقعیت اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی جامعه
، هدف نهائی خود را " دموکراسی خلق " بوسیله
مبارزه مسلحانه توده‌های تعیین نموده و با توجه
به ویژگیهای جامعه که همانا ، دیکتاتوری فاشیستی ،
خمودگی تاریخی روحیه توده‌ها و بی ثربودن فعالیتها
(گروهی - سیاسی) تاکتیک مسلحانه را جهت رسیدن
به هدف نهائی خود (یعنی مبارزه مسلحانه توده‌ای
و برقراری دیکتاتوری خلق) اتخاذ کرده است .

لنین می گوید : چون بدون سرنگون کردن قبضی
" تزاریزم " سرنگون کردن سرمایه داری غیر ممکن است .
از اینرو وظیفه عمده حزب در موقع کنونی عبارت از
آنست که در مبارزه علیه تزاریزم طبقه کارگر را برانگیزد
و همه خلق را به رستاخیز در آورد و جنبش انقلابی
خلق را برضد تزاریزم بسط و توسعه دهد و تزاریزم را که
مانع نخستین و جدی در راه سوسیالیزم است
براندازد ، (برزگرین هدف ما برانداختن تزاریزم
و برپا ساختن نظم دموکراتیک است)

دست یافتن به هدف نهائی ، مستلزم گذار
از مراحل مختلفی است . یعنی در این پیروسه مباشر
تغییر و تحولات جامعه (سواى تضاد اساسی)
تضادهائی عمده میشوند که بدون حل آنها قادر
به پیشروی در امر تحقق استراتژی نخواهیم بود .
پیروسه حل هر یک از این تضادها را استراتژی
مرحله‌ای میگوئیم .

اگر بخواهیم محتوای مرحله فعلی جنبش انقلابی
را تعیین کنیم ، باید بگوئیم : " جنبش ضد دیکتاتوری
شاه " در عین حال توجه داشته باشیم که دیکتاتوری
شاه با سلطه امپریالیزم و موجودیت سیستم سرمایه -
داری وابسته وحدت ارگانیک دارد .

با تحلیلی از موقعیت رژیم در رابطه با
وابستگی اقتصادی و سیاسی اش به امپریالیزم میتوان
دیکتاتوری شاه را وجهی از کل تضاد خلق با
امپریالیزم و بورژوازی کمپرادور نامید . این وجه
از تضاد در حال حاضر تضاد عمده جامعه ماحسوس
می شود . با شناخت از این تضاد عمده است که
می توانیم برضد امپریالیستها و بورژوازی کمپرادور
بطور موثر مبارزه کنیم . به زبان بهتر ، برای مبارزه
با امپریالیزم و کل سیستم ، اساسا باید از کانال -
مبارزه با دیکتاتوری شاه عبور کنیم . دیکتاتوری شاه ،
سد راه مبارزه خلق است و بدون مقابله با آن قادر
به پیشبرد اهداف استراتژیک خود نخواهیم بود .

خلق زحمتکش ایران در زیر فشار دیکتاتوری شاه
ناگزیر به زندگی دشواری تن در داده است و حسن
اعتراض یا هر کوششی برای بهبود وضع اقتصاد پیش
از وی سلب شده . ولی مادام که اعتراض ننگد و در
جهت احقاق حقوق خود ، دست به حرکت نزنند
از درک ملموس اختلاف و ماهیت دیکتاتوری محروم
می ماند .

چهره خشن و ماهیت دیکتاتوری رژیم را وقتی
لمس می کند که خود ، سرنیزه رژیم را روی سینه اش
لمس می کند . و همینجاست که جدی بودن اختلافی
و ضرورت مبارزه با رژیم را درک می کند . از اینروست
که شعارهای سیاسی ضد دیکتاتوری باید با شعار -
های اقتصادی که به مسائل روزمره هر طبقه ، تشریح

صنف مربوط میشود، تلفیق گردد. جنبش باید زندگی مردم و نیازهای مبرم آنها را مورد توجه قرار دهد و با تمام امکانات موجود بکوشد تا مردم را به اعتراضها و مطالبات اقتصادی بکشانند. این نه يك وظیفه فرعی، بلکه يك ضرورت اجتناب ناپذیر است.

بنابراین مبارزه مسلحانه در حال حاضر جنبشی است ضد دیکتاتوری و مرحله ای است از جنبش رهاییبخش مردم که با اتکا به شعار حیات دهند سرنگونی دیکتاتوری فردی شاه و تاکید بر خواست های اقتصادی مردم میکوشد نیروهای انقلابی خلق را بسیج کرده و رهبری آنان را در يك انقلاب دموکراتیک توده های برعهده گیرد.

بدینگونه می بینیم که مشی جنبش انقلابی در این مرحله، تلفیقی است از اشکال نظامی سیاسی و اقتصادی مبارزه که در آن شکل نظامی نقش اساسی و محوری را بازی می کند.

بنکار گرفتن تاکتیکهای مسالمت آمیز در کنار تاکتیکهای نظامی صرفاً از جهت تقویت تاکتیکهای نظامی اهمیت ندارد، این تاکتیکها نقش مهمی در فعال کردن توده ها و پیوند دادن پیشاهنگ به توده دارد.

در شرایطی که حرکات اعتراضی و مطالباتی مردم پراکنده و بافاصله طولانی و بدون جهت واحد و معین و آنها در مقیاس های کوچک بچشم میخورد و در برابر اعمال قهر ضد انقلابی رژیم سرکوب گردیده زنده ها را به ناامیدی میکشاند، مبارزه جوشی و اعمال قهر نیروهای پیشرو قادر است توده را از نومیدی مطلق و تسلیم بازدارد. حرکات مسردم را وسعت بخشد و از این حرکات موضعی پراکنده

يك جنبش عمومی بر ضد رژیم بوجود آورد.

از این حیث اعمال تاکتیکهای نظامی در برابر تاکتیکهای سیاسی و اقتصادی نقش تعیین کننده و محوری دارد. چرا که بدون آن رژیم قادر است همواره مبارزات سیاسی و اقتصادی را با اعمال قهر و خشونت سرکوب کند. (لازم به توضیح است که سیستم تحت سلطه امپریالیزم، بخاطر وابستگی اش ناگزیر است بشیوه دیکتاتوری حاکمیت خود را اعمال کند. یا بعبارت دیگر سیستم موجود خصالتاً دیکتاتور است بنابراین مبارزه مسلحانه در تمام مراحل حتی در شرایطی که رژیم اشکال نسبه - دموکراتیک بطور موقت موقت متوسل شود، اهمیت اساسی خود را حفظ خواهد کرد. (۱) از اینروست که مبارزه مسلحانه را محور استراتژی جنبش رهایی بخش میهنمان می نامیم.
